

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۷

آیه ۵۹ - ۶۴

آیه و ترجمه

لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره انى اخاف عليكم عذاب يوم عظيم ۵۹

قال الملا من قومه انا لنرئك فى ضلل مبين ۶۰

قال يقوم ليس بى ضللة و لكنى رسول من رب العلمين ۶۱

ابلغكم رسلت ربى و انصح لكم و اعلم من الله ما لا تعلمون ۶۲

او عجبتكم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم و لتتقوا ولعلكم

ترحمون ۶۳

فكذبوه فانجينه و الذين معه فى الفلك و اغرقنا الذين كذبوا بايتنا انهم كانوا

قوما عمين ۶۴

ترجمه :

۵۹ - ما نوح را به سوى قومش فرستادیم، او به آنها گفت: ای قوم من (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست (و اگر غیر این کنید) من بر شما از عذاب روز بزرگی میترسم.

۶۰ - (ولى) اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم!

۶۱ - گفت: ای قوم من! هیچگونه گمراهی در من نیست، ولى من فرستاده

پروردگار جهانیانم

۶۲ - رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ میکنم و خیرخواه شما هستم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۸

چیزهائی میدانم که شما نمی دانید.

۶۳ - آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی

از میان شما به شما برسد تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو

این دستور) پرهیزگاری پیشه کنید شاید مشمول رحمت (الهی) گردید.

۶۴ - اما سرانجام او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی

بودند رهائی بخشیدیم و آنها که آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم چه اینکه آنها جمعیتی نابینا (و کور دل) بودند.

تفسیر :

رسالت نوح نخستین پیامبر اولو العزم

همانطور که در آغاز این سوره گفته شد، در این سوره بعد از ذکر یک سلسله مسائل اساسی و کلی در زمینه خداشناسی و معاد و هدایت بشر و احساس مسئولیت، اشاره به سرگذشت جمعی از پیامبران بزرگ همانند نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و بالاخره موسی بن عمران می کند، تا نمونه های زنده این بحثها را عملاً در لابلای تاریخ پر ماجرا و عبرت انگیز آنان نشان دهد. نخست از سرگذشت نوح پیامبر شروع می کند و قسمتی از گفتگوهای او را با قوم بتپرست و سرکش و ماجراجویش شرح می دهد:

سرگذشت نوح در سوره های مختلفی از قرآن مانند سوره هود، انبیاء، مؤمنون و شعراء آمده است و سوره کوتاهی نیز در قرآن به نام سوره نوح داریم که هفتاد و یکمین سوره قرآن است.

شرح کوششهای این پیامبر بزرگ و چگونگی ساختن کشتی و طوفان وحشتناک و غرق شدن مردم خودخواه و فاسد و بتپرست زمان او، در سوره های نامبرده مشروحا بحث خواهد شد، در اینجا تنها فهرستی از آن در شش آیه آمده است:

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۱۹

نخست میفرماید: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (لقد ارسلنا نوحا الى قومه).

نخستین چیزی که او به آنها یادآور شد، همان توجه به حقیقت توحید و نفی هر گونه بتپرستی بود، به آنها گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست (فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره). شعار توحید نه تنها شعار نوح بلکه نخستین شعار همه پیامبران الهی بوده است لذا در آیات متعددی از همین سوره و سوره های دیگر قرآن در آغاز دعوت بسیاری از پیامبران شعار یا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره: ای قوم خداوند یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست دیده می شود (به آیات ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ همین سوره مراجعه کنید)

از این جمله‌ها به خوبی استفاده می‌شود که بتپرستی مهمترین خار بر سر راه سعادت همه انسانها بوده است و این باغبانهای توحید برای تربیت انواع گلها و درختان پرثمر در سرزمین جوامع انسانی قبل از هرچیز دامن همت به کمر می‌زدند تا با داس تعلیمات سازنده خود، این خارهای مزاحم را ریشه‌کن سازند. مخصوصاً از آیه ۲۳ سوره نوح استفاده می‌شود که مردم زمان نوح بتهای مختلفی به نام ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر داشته‌اند که شرح آنها به خواست خدا در ذیل همان آیه خواهد آمد

نوح پس از بیدار کردن فطرت‌های خفته، آنان را از سرانجام بتپرستی بر حذر داشته و گفت: من از عذاب روز بزرگی بر شما می‌ترسم (انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم).

منظور از مجازات روز بزرگ ممکن است همان طوفان معروف نوح باشد که کمتر مجازاتی به عظمت و وسعت آن دیده شده است، و نیز ممکن است اشاره به مجازات الهی در روز رستاخیز باشد، زیرا این تعبیر در قرآن مجید در هر دو

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۰

معنی به کار رفته است، در سوره شعراء آیه ۱۸۹ می‌خوانیم:

فاخذهم عذاب یوم الظلة انه کان عذاب یوم عظیم این آیه درباره مجازاتی است که قوم شعیب بر اثر تبه‌کاریها در همین جهان گرفتار آن شدند، و در سوره مطففین آیه ۵ می‌خوانیم الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم آیا اینها گمان نمی‌کنند که برای روز بزرگی مبعوث خواهند شد

تعبیر به اخاف (می‌ترسم گرفتار چنین مجازاتی شوید) بعد از ذکر مساله شرک در آیه مورد بحث ممکن است به خاطر این باشد که نوح می‌خواهد به آنها بگوید اگر یقین به چنین مجازاتی نداشته باشید لا اقل بیم آن هست بنابراین، عقل اجازه نمی‌دهد که با چنین احتمالی این راه را بپیمائید، و به استقبال چنین عذاب دردناکی بشتابید.

ولی قوم نوح به جای اینکه از دعوت اصلاحی این پیامبر بزرگ که توام با نهایت خیرخواهی بود استقبال کنند، به آئین توحید پیوندند و دست از ستم و فساد بردارند، جمعی از اشراف و ثروتمندانی که منافع خود را با بیداری مردم در خطر می‌دیدند، و مذهب او را مانعی بر سر راه هوسرانیها و هوسبازیهای خویش مشاهده می‌کردند صریحاً در جواب نوح گفتند ما ترا در گمراهی آشکار

می‌بینیم (قال الملا من قومه انالنراک فی ضلال مبین)

ملا معمولاً به جمعیتی گفته میشوند که عقیده واحدی برای خودانتخاب کرده‌اند و اجتماع و شکوه ظاهری آنها چشمها را پر میکند زیرا ماده اصلی این لغت به معنی پر کردن است، و در قرآن مجید این تعبیر بیشتر در مورد جمعیت‌های خودخواه و خودکامهای که ظاهری آراسته، و باطنی آلوده دارند،

و

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۱

صحنه‌های مختلف اجتماع را با وجود خود پر میکنند، اطلاق شده‌است، نوح در برابر توهین و خشونت آنها با همان لحن آرام و متین و محبت‌آمیز خود در پاسخ آنها گفت: من نه تنها گمراه نیستم بلکه هیچگونه نشانه‌ای از گمراهی در من وجود ندارد، ولی من فرستاده پروردگار جهانیانم (قال یا قوم لیس بی ضلالة و لکنی رسول من رب العالمین)

اشاره به اینکه خدایان پراکنده‌ای که شما قائل شده‌اید و برای هر یک قلمرو حکومتی پنداشته‌اید همانند خدای دریا، خدای آسمان، خدای صلح و جنگ و مانند اینها همه بی اساس است پروردگار و رب همه جهانیان تنها خداوند یگانه یکتا است که خالق همه آنها میباشد.

هدف من این است که رسالت پروردگار را انجام داده و دستورات او را به شما برسانم (ابلغکم رسالات ربی) و در این راه از هیچگونه خیرخواهی فروگذاری نمیکنم (و انصح لکم).

انصح از ماده نصح (بر وزن قفل) به معنی خلوص و بی غل و غش بودن است لذا ناصح العسل به معنی عسل خالص است، سپس این تعبیر در مورد سخنانی که از روی نهایت خلوص نیت و خیرخواهی و بدون تقلب و فریب و تزویر گفته می‌شود به کار رفته است.

و در پایان اضافه می‌کند: من چیزهایی از خداوند میدانم که شما نمیدانید (و اعلم من الله ما لا تعلمون)

این جمله ممکن است جنبه تهدید در برابر مخالفت‌های آنها داشته باشد که

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۲

من مجازاتهای دردناکی از خداوند در برابر تبیه‌کاران سراغ دارم که شما هنوز از

آن بی خبرید، و یا اشاره به لطف و رحمت پروردگار باشد که اگر در مسیر اطاعتش گام بگذارید برکات و پاداشهایی از او سراغ دارم که شما به عظمت و وسعت آن واقف نیستید، و یا اشاره به این باشد که اگر من عهده دار هدایت شما شده‌ام مطالبی درباره خداوند بزرگ و دستوراتش میدانم که شما از آن آگاهی ندارید، و به همین جهت باید از من پیروی کنید، و هیچ مانعی ندارد که همه این معانی در مفهوم جمله فوق جمع باشد.

در آیه بعد گفتار دیگری را از نوح میخوانیم که در برابر اظهار تعجب قوم خود از اینکه چگونه ممکن است انسانی عهده دار رسالت پروردگار گردد، بیان کرده است: آیا تعجب کرده‌اید که انسانی مأمور ابلاغ رسالت پروردگار گردد و دستورات بیدار کننده او بر این انسان نازل شود تا شما را از عواقب سوء اعمالتان بر حذر دارد و به آئین پرهیزگاری دعوت کند، تا مشمول رحمت الهی شوید (او عجبتم ان جائکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم و لتتقوا و لعلکم ترحمون).

یعنی این موضوع چه جای تعجب است؟ زیرا یک انسان شایسته، استعداد انجام این رسالت را بهتر از هر موجود دیگر دارد، به علاوه انسان است که می‌تواند رهبر انسانها شود، نه فرشتگان و نه غیر آنها.

ولی به جای اینکه دعوت چنین رهبر دلسوز و خیرخواه و آگاهی را بپذیرند، همه گفته‌های او را تکذیب کردند، و در برابر دعوتش سر تسلیم فرود نیاوردند، هر چه نوح بیشتر تبلیغ میکرد، آنها بر لجajt و سرسختی خود میافزودند، و

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۳

همین سبب شد که خداوند، نوح و آنها که با او در کشتی بودند نجات داده و تکذیب کنندگان به آیاتش را گرفتار غرقاب سازد و هلاک کند (فکذبوه فانجیناه و الذین معه فی الفلک و اغرقنا الذین کذبوا بآیاتنا).

در پایان آیه، دلیل این کیفر سخت را چنین بیان می‌کند که آنها جمعیت نابینائی بودند یعنی مردمی بودند کور دل و کور باطن که از مشاهده چهره حقیقت محروم بودند (انهم کانوا قوما عمین).

و این کور دلی نتیجه اعمال شوم و لجajتهای مستمر خودشان بود، زیرا تجربه نشان داده هنگامی که انسان مدتها در تاریکی بماند و یا به علل دیگری چشم

خود را ببندد و از نگاه کردن خودداری کند، قدرت دید خود را تدریجا از دست خواهد داد و سرانجام نابینا خواهد شد، همچنین سایر اعضاء بدن اگر مدت زیادی کار نکنند می خشکند و برای همیشه از کار می افتند
دید باطن انسان نیز از این قانون مستثنی نیست، چشمپوشی مستمر از حقایق، و به کار نگرفتن عقل و خرد در فهم واقعیتها، تدریجا چشم تیزبین عقل را ضعیف کرده و سرانجام نابینا میکند.
بقیه سرگذشت قوم نوح و چگونگی وقوع طوفان و جزئیات دیگر این سرگذشت در سوره هائی که در بالا اشاره کردیم مشروحا خواهد آمد.